



2016/06/20



عبدالصبور صافی

جنگ تورخم،

اهداف، توطئه ها و نگاهی به روابط امریکا و پاکستان:

بخش اول

بعد از لشکرکشی شوروی ها به افغانستان روابط پاکستان و امریکا که از بدو پیدایش همراه با فراز و نشیب های بوده دوباره رونق گرفت، امریکا کمکهای بسیار سخاوتمندانه به دامن پاکستان ریخت تا انتقام ویتنام را از شوروی ها در افغانستان بگیرد، کمک ۳،۲ میلیارد دالر امریکا به پاکستان جهت رونق اقتصادی این کشور بدین معنی بود تا با امریکا در این مبارزه همکار خوب باشد، در این ایام پاکستان خواست تا قدرت نظامی خود را بالا ببرد، رقابت پاکستان با هند یکی از دلایل برای بلند بردن توان نظامی بود که این کشور را وا داشت تا دست به تولید سلاح اتمی بزند که به این خواست خود هم رسید، اتمی شدن پاکستان حس قدرت طلبی پاکستان را بالا برد و خواست هژمونی خود را در منطقه بالا ببرد، افغانستان خوب ترین و اولین انتخاب بود برای تحقق بلند پروازی های پاکستان، و به این ترتیب می توانست با رقیب دیرینه خود (هندوستان) رقابت تنگاتنگ از موضع قدرت و توانمندی بیشتر داشته باشد.

پاکستان برای رسیدن به این هدف تلاش کرد که بعد از سقوط حکومت داکتر نجیب الله یک دولت دست نشانده خود را در این کشور ایجاد نماید که به صورت کل موفق نگردید، بعداً گروه طالبان را به وجود آورد تا توسط آنها به آرزوهای خود برسد ولی به هرشکلی که بود این کار هم نتیجه بار نبود، سیاست های غلط و قرون اسطیابی طالبان پای امریکا و کشورهای بلوک غرب را به افغانستان کشانید، تسلط بلوک غرب در این منطقه باعث تضعیف آرزوهای پاکستان گردید، اکنون پاکستان احساس می کند که جایگاه خود را در بدست آوردن آن عمق سترتیژیک را که در افغانستان تصور می کرد که متضمن منافع آن کشور و رقابت منطقی در برابر رقیب دیرینه آن هندوستان باشد از دست داده است، از این رو تلاش های جدیدی را به راه انداخته است تا مگر بتواند به یک شکلی به اهداف خود نایل آید، و هم امریکا را تحت فشار قرار دهد که به آن موافقه های پت و پنهانش با پاکستان عمل کند، شرایط داخلی پاکستان اعم از سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روز تا روز سیر نزولی به خود گرفته، موضوع داشتن اقتصاد با ثبات با توجه به فقر بالا در این کشور از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این کشور بیش از پنجاه میلیارد دالر قرضدار است و تا کنون با حمایت های مالی امریکا و انگلستان حامی اصلی اش بر بخشی از مشکلات مالی خود فائق آمده بود و

دیگر امریکا از عقب پاکستان به هر دلیلی که است کنار رفته است. بحران داخلی انرژی در این کشور نیز در وضعیت نا مساعد و خطرناک میباشد، پاکستان تلاش کرد با موضوع افغانستان برای خود جایگاهی تعریف کند و با توجه به امتیازات و موقعیت ستراتیژیکی و هم دسترسی به آب و برق، معافیت از پرداخت هر نوع مالیات برای صدور کالاهای خود به آسیای میانه جایگاه خود را در برابر همسایه شمالی اش ارتقاء دهد. اما با ایجاد شدن بندر چابهار و باز شدن راه های تدارکاتی و اکمالاتی جدید برای جانب افغانی و هندی، امید های پاکستان به یأس و نا آمیدی مبدل گردیده و این نا آمیدی ها باعث می شود تا پاکستان دست به هر عمل غیر منطقی و شرارت آمیز بزند و خود را مدافع سرسخت در مبارزه با تروریسم نشان دهد تا جهانیان فکر کنند که پاکستان قربانی تروریسم است در حالیکه برعکس پاکستان مادر تروریسم است، بعضی ها به این فکرند که امریکا در این بازی دست دارد در این شک نیست که امریکا با پاکستان در مورد شناختن خط دیورند موافقه پنهانی به امضاء رسانیده است و پاکستان این شرارت را برای فشار بالای امریکا و نشان دادن صداقت خود به جهان و مردم خود که گویا می خواهد راه را بروی تروریستان مسدود سازد تلاش می کند در حالیکه تروریستان به ویژه و راه تورخم نیاز و ضرورت ندارند بلکه تروریستان در داخل خاک پاکستان زندگی می کنند تربیه و تجهیز می شوند و به افغانستان صادر می گردند و از ده ها راه دیگر که در این سرحد ۲۴۳۰ کیلومتری موجود است استفاده می نمایند، جهان باید این را بداند که اسامه در کجا بود! مولوی اختر منصور در کجا بود! سران طالبان با کدام پاسپورت ها به خارج سفر می کنند و ده ها مورد دیگر، بد نخواهد بود تا کمی به پیشینه روابط امریکا و پاکستان نظر اندازیم.

روابط امریکا و پاکستان از بدو پیدایش تا امروز:

اگر به تاریخ روابط پاکستان با امریکا از بدو پیدایش پاکستان تا اکنون نگاه کنیم در می یابیم که این روابط همیشه پر فراز و نشیب بوده است هر زمانی که امریکا ضرورت داشته از پاکستان به خاطر تحقق منافع خود استفاده کرده و زمانی که منافع امریکا تأمین گردیده پاکستان را به حال خودش رها کرده است، طور مثال:

پاکستان نوپا برای برآورده شدن نیازهای اقتصادی و نظامی خود تلاش کرد تا خود را به امریکا نزدیک سازد، با پیوستن به سازمان "سیتو" (پیمان آسیای جنوب شرقی) در سال ۱۹۵۴ میلادی عملاً خود را جمع کشور های هم پیمان امریکا جهت مبارزه با توسعه کمونیزم نمود و پس از پیوستن به این پیمان کمک های امریکا به پاکستان افزایش قابل توجه یافت، با وجود این کمک های سخاوتمندانه زماین که جنگ پاکستان با هندوستان در سال های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ به وقوع پیوست برای پاکستان ثابت شد که امریکا متحد قابل اطمینان و قابل اتکاء برای پاکستان نیست.

به همین ترتیب پس از اشغال افغانستان توسط شوروی در سال ۱۹۷۹ امریکا جهت بیرون کردن قوای شوروی از افغانستان و گرفتن انتقام ویتنام بار دیگر پاکستان را مورد توجه قرار داده و کمک های میلیارد دلاری جهت باز سازی اقتصادی و نظامی این کشور پرداخت کرد، ولی با تمام شدن جنگ، خروج شوروی از افغانستان و فرپاشی شوروی سابق پس از سال ۱۹۸۹ این روابط دوباره به سردی گرائید، بعد از حملات ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ و اشغال افغانستان توسط امریکا از طریق خاک پاکستان بار دیگر این روابط باهم نزدیک شد و امریکا این امکان را یافت تا اکمالات لشکری خویش را از طریق پاکستان انجام دهد، کشته شدن اسامه بن لادن در خاک پاکستان، بمبارد مان های طیارات

بی پیلوت امریکا در خاک پاکستان، کشته شدن دو تبعه پاکستان با ضرب گلوله در شهر کراچی پاکستان از طرف یک امریکایی، بمبارد یک پوسته سرحدی پاکستان که در آن ۲۴ سرباز این کشور کشته شدند؛ موارد دیگر است که روابط امریکا و پاکستان را در طول مدت این همکاری ها دچار مشکل و متشنج ساخته، بخصوص حمایت امریکا از هندوستان در برنامه های اتمی آن کشور اعتماد پاکستان را بالای امریکا بسیار کم رنگ کرد، گرچه زمانی که امریکا به تقلیل قوای خود در افغانستان پرداخت بسیاری از تسلیحات سنگینش را به پاکستان طور تحفه و اگذار کرد که به انتقادات بعضی مقامات افغانی نیز مواجه گردید باوجود آن هم تیرگی روابط این دو کشور به شکلی از اشکال همچنان مکرر باقی ماند.

نشویش پاکستان از موجودیت امریکا در منطقه هم برای پاکستان نگران کننده است، این را به خوبی درک می کند که امریکا و انگلستان در منطقه بلوچستان از قشون یا اردوی آزادی بخش بلوچستان (بی ال ای) حمایت می کنند، و توان اتمی پاکستان را زیر نظر دارند، به قول روزنامه "پولیتیک" چاپ ترکیه، «گرچه پیشینه ای سازمان های استقلال طلبانه بلوچستان به سال های ۱۹۶۰ می رسد که مرکز آن در کابل بود، ولی در اوضاع و احوال ژئوپولیتیکی و سیاسی کنونی جنبش های آزادی خواه بخصوص اردوی آزادی بخش بلوچستان با حس جدایی طلبانه و الحاق گرانه به افغانستان تبدیل گردیده و تحت حمایت مخفی امریکا و انگلیستان قرار دارند،» بلوچستان سرزمین با گنجینه ذخایر نفتی و گازی با ارزش فوق العاده هم برای پاکستان و هم برای شرکت های نفتی غربی است از طرفی هم امریکا و انگلستان خواهان تسلط بیشتر با دست باز در همه عرصه ها در این کشورند که پاکستان این وضع را نمی تواند تحمل نماید، از این رو همیشه با امریکا در یک بازی دوگانه قرار می گیرد.

پایان بخش اول

ادامه دارد